

فهرست

۲۱	اشاره
۲۸	دربارهٔ ویراست دوم



۳۱	صد شعر نو
----	-------	-----------

	فریدون تولّی	نیما یوشیج
۵۷ ناآشناپرست	۳۳ مهتاب
	زاله اصفهانی	۳۵ داروگ
۵۹ گیاه وحشی کوهم	۳۶ اجاق سرد
۶۰ زندگی	۳۸ تو را من چشم در راهم
		۳۹ خانه ام ابری ست...

	احمد شاملو (بامداد)	محمدحسین شهریار
۶۲ پریا	۴۱ ای وای مادرم
۷۳ مرگ نازلی	
۷۵ سرگذشت	گلچین گیلانی
۷۷ کیفر	۴۹ باران

هوشنگ ابتهاج (سایه)	۷۹	ماهی	۷۹
۱۴۰..... مرثیه جنگل	۸۲	گفتی که باد مرده‌ست	۸۲
۱۴۴..... زندگی	۸۶	من و تو، درخت و بارون.....	۸۶
۱۴۸..... ارغوان	۸۹	مه	۸۹
۱۵۲..... تاسیان	۹۱	نمی‌رقصانمت چون دودی آبی‌رنگ	۹۱
	۹۳	لعنت	۹۳
مهدی اخوان ثالث (امید)			
۱۵۴..... زمستان		محمد زُهری	
۱۵۷..... لحظه دیدار.....	۹۶	چاره	۹۶
۱۵۸..... باغ من			
۱۶۰..... غزل (۳)		فریدون مشیری	
۱۶۳..... آخر شاهنامه	۹۷	کوچه	۹۷
۱۷۰..... نماز	۱۰۰	ریشه در خاک	۱۰۰
۱۷۲..... گرگ هار	۱۰۳	آه باران!	۱۰۳
۱۷۵..... قاصدک	۱۰۵	ای همیشه خوب	۱۰۵
۱۷۷..... کتنبه	۱۰۷	خوش به حال غنچه‌های نیمه‌باز	۱۰۷
۱۸۱..... آواز کُرک	۱۰۹	جادوی بی‌اثر	۱۰۹
	۱۱۱	آخرین جرعه جام	۱۱۱
حسن هنرمندی			
۱۸۳..... هراس			
		هاشم جاوید	
		پاسخ پیر خرد.....	۱۱۴
		سپهراب سپهری	
۱۸۵..... آب			
۱۸۸..... به باغ همسفران			
۱۹۱..... سوره تماشا		سیاوش کسرائی (کولی)	
۱۹۴..... صدای پای آب	۱۱۶	غزل برای درخت	۱۱۶
۲۲۰..... واحه‌ای در لحظه	۱۱۸	آرش کمان‌گیر	۱۱۸
۲۲۲..... ندای آغاز	۱۳۴	به سبز جاودان من	۱۳۴
۲۲۵..... نشانی	۱۳۷	شب‌های دشت	۱۳۷

۲۸۳.....	شانه‌های تو.....	۲۲۷.....	در گلستانه.....
۲۸۵.....	تولدی دیگر.....		
۲۸۹.....	فتح باغ.....		نادر نادرپور
	اسماعیل خوبی	۲۳۰.....	ستاره دور.....
۲۹۳.....	هرگز.....	۲۳۲.....	پدر.....
۲۹۴.....	وقتی که من بچه بودم.....	۲۳۵.....	فال.....
۲۹۸.....	غزلواره ۲.....		منوچهر آتشی
۳۰۰.....	غزلواره ۷.....	۲۳۷.....	خنجرها، بوسه‌ها و پیمان‌ها.....
۳۰۲.....	غزلواره ۱۰.....	۲۴۳.....	خاکستر.....
	نعمت میرزازاده (آزرم)	۲۴۵.....	دیدار در فلق.....
۳۰۶.....	مرثیه.....		یدالله رؤیایی
	محمدرضا شفیعی کدکنی (سرشک)	۲۴۶.....	لالایی.....
			محمود مشرف آزاد تهرانی (آزاد)
۳۱۱.....	درختِ روشنایی.....	۲۴۸.....	بی تو خاکسترم.....
۳۱۴.....	کوچ بنفشه‌ها.....	۲۵۰.....	گل باغ آشنایی.....
۳۱۶.....	چه بگویم.....	۲۵۲.....	نامه.....
۳۱۷.....	پژواک.....		فروغ فرخزاد
۳۱۹.....	سفر به خیر.....		
۳۲۱.....	دبیاچه.....	۲۵۵.....	آن روزها.....
۳۲۴.....	مثل درخت در شب باران.....	۲۶۱.....	با کدام دست؟.....
۳۲۶.....	حلاج.....	۲۶۶.....	اندوه‌پرست.....
۳۲۹.....	رهاوی.....	۲۶۸.....	آفتاب می‌شود.....
	حمید مصدق	۲۷۱.....	روی خاک.....
۳۳۱.....	درآمد.....	۲۷۴.....	باد ما را خواهد برد.....
۳۳۳.....	قصیده آبی، خاکستری، سیاه.....	۲۷۶.....	عروسک کوکی.....
		۲۸۰.....	در خیابان‌های سرد شب.....

مرتضی امیری اسفندقه	عمران صلاحی
استادیوم ۳۴۷	خرچنگ ۳۴۰
وحید عیدگاه طریقه‌ای	قیصر امین پور
دست‌ها ۳۴۹	حسرت همیشگی ۳۴۲
	ایستگاه ۳۴۳
	دردواره‌ها ۳۴۴
♦♦♦♦♦	
۳۵۱	صد غزل
عشق وطن ۳۷۱	ابوالقاسم لاهوتی
	صیاد ۳۵۳
پژمان بختیاری	عارف قزوینی
حسرت عشق ۳۷۳	یاد وطن ۳۵۵
گلی در دست باد ۳۷۵	
مسعود فرزاد	محمدتقی بهار (ملک الشعرا)
بن‌بست ۳۷۷	این چه کاری بود؟ ۳۵۷
	مرغ گرفتار ۳۵۹
محمدحسین شهریار	نادره کاران همه رفتند ۳۶۱
زندانی زندگی ۳۷۹	فرّخی یزدی
گوهرفروش ۳۸۰	مردن تدریجی ۳۶۳
تو بمان و دگران ۳۸۲	عید زندان ۳۶۵
نی محزون ۳۸۴	دل‌م از این خرابی‌ها بود خوش ۳۶۷
حالا چرا؟ ۳۸۶	
رهی معیری	میرزاده عشقی
خیال‌انگیز ۳۸۸	بی‌اعتنایی به فلک ۳۶۹

غباری در بیابانی.....	۳۹۰	ایرج دهقان
حدیث جوانی.....	۳۹۲	هرچه بود گذشت.....
هوشنگ ابتهاج (سایه)		
سید کریم امیری فیروزکوهی		زبان نگاه.....
زندگی.....	۳۹۴	بها نه.....
مهدی حمیدی شیرازی		در کوچه سار شب.....
قوی زیبا.....	۳۹۶	گریه شبانه.....
ابوالحسن ورزی		قدر مرد.....
آمد اما.....	۳۹۸	چندین هزار امید بنی آدم.....
سیمین بهبهانی		
فریدون توللی		شراب نور.....
یار دیرینه.....	۴۰۰	هوای گریه.....
فریب.....	۴۰۲	چه سکوت سرد سیاهی.....
عماد خراسانی		یک دامن گل.....
گرچه مستیم.....	۴۰۴	پایان انتظار.....
این روزگار نیست.....	۴۰۶	دوباره می سازمت وطن.....
ورد زبان.....	۴۰۸	کودک روانه از پی بود.....
ای آسمان.....	۴۱۱	خارهای زشت.....
پریشانی.....	۴۱۳	سپیدار.....
محمود ثنایی (شهر آشوب)		در حجمی از بی انتظاری.....
مرا بگذار و بگذر.....	۴۱۴	مردی که یک پا ندارد.....
مهدی اخوان ثالث (امید)		حنظلی.....
پروین دولت آبادی (پری)		نادر نادرپور
خط غم.....	۴۱۶	کهن دیارا.....

۴۸۶.....	حتّی به روزگاران	۴۶۰.....	غروبی در شمال
۴۸۸.....	خمشانه		
۴۹۰.....	غزلی در مایه شور و شکستن		محمد قهرمان
۴۹۲.....	آن عاشقان شرزه	۴۶۲.....	قتلگاه پاییز
۴۹۴.....	سوک نامه	۴۶۴.....	دشت بی کسی ها
		۴۶۶.....	سنگ تمام بگذار
	محمد علی بهمنی		
۴۹۶.....	کمال دار		مهرداد اوستا
۴۹۷.....	در زمانه بیداد	۴۶۸.....	بریدی و نبریدم
۴۹۸.....	آن غروب ها		نصرت رحمانی
		۴۷۰.....	گریه
	حسین منزوی		
۴۹۹.....	چه سرنوشت غم انگیزی		فروغ قزخزاد
۵۰۱.....	زلال جاری آواز جویباران	۴۷۱.....	غزل
۵۰۳.....	غزل درخت		
۵۰۵.....	دیگر تمام شد		منوچهر نیستانی
۵۰۷.....	زن جوان	۴۷۳.....	سگه ها در چشمه
۵۰۹.....	زنی چنین که تویی	۴۷۵.....	در این ازدحام
۵۱۰.....	سراب امن و امان	۴۷۷.....	آنچه در باران گذشت
۵۱۲.....	از آن سوی ظلمت		
۵۱۴.....	شهر منهای وقتی که هستی		اسماعیل خوبی
۵۱۶.....	دریای شورانگیز چشمانت	۴۷۹.....	در باغ های آه
۵۱۸.....	شکوه تو و بُهت من	۴۸۱.....	غزل هیچ
۵۲۰.....	زمین سوخته		ولی الله درودیان
۵۲۲.....	بهار تو در خزان من	۴۸۳.....	در آستانه دوزخ
	محمد ذکایی (هومن)		محمد رضا شفیعی کدکنی (سرشک)
۵۲۴.....	دست روی دست	۴۸۴.....	از مرثیه های سرو کاشمر

۵۳۶.....	خسته‌ام ازین کویر.....	عمران صلاحی
	قربان ولیئی	۵۲۶.....
۵۳۸.....	نام تو.....	خسرو احتشامی
	فاضل نظری	۵۲۷.....
۵۳۹.....	از باغ.....	غلامرضا شکوهی
	وحید عیدگاه طریقه‌ای	۵۲۹.....
۵۴۰.....	آبانی.....	روز پیری من.....
		۵۳۱.....
		قیصر امین پور
		۵۳۳.....
		۵۳۴.....



۵۴۳..... صد شعر در قالب‌های دیگر

	علی اکبر دهخدا	نسیم شمال
۵۸۲.....	در مرگ دوست.....	۵۴۵.....
۵۸۶.....	رؤسا و ملّت.....	۵۵۰.....
	عالم‌تاج قائم‌مقامی (زاله)	ایرج میرزا
۵۸۸.....	خواهش از آینه.....	۵۵۳.....
	ابوالقاسم لاهوتی	۵۵۴.....
۵۹۲.....	وفا به عهد.....	۵۶۶.....
	محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)	۵۶۹.....
۵۹۴.....	سرود کبوتر.....	۵۷۵.....
۵۹۷.....	شهربند مهر و وفا.....	حسن وثوق (وثوق‌الدوله)
		۵۷۷.....

۷۰۲.....اشک یتیم.....	۶۰۱.....دماوندیه.....
۷۰۴.....دزد و قاضی.....	۶۰۶.....راز طبیعت.....
۷۰۸.....لطف حق.....	۶۱۰.....لاله.....
۷۱۶.....ای گریه.....	۶۱۳.....پیشگویی.....
۷۱۹.....اختر چرخ ادب.....	۶۱۶.....به یاد وطن.....
۷۲۱.....شکایت پیرزن.....	۶۲۵.....کیک‌نامه.....
	۶۳۰.....هیجان روح.....
	۶۳۹.....جغد جنگ.....
صادق سرمد	۶۴۷.....ضلال مبین.....
۷۲۴.....شفاعت.....	
	محمد‌رضا میرزاده عشقی
محمد‌علی افراشته	۶۴۹.....خلقت من.....
۷۲۷.....پالتو چهارده‌ساله.....	
۷۲۹.....ناصر الشعراء.....	نیما یوشیج
۷۳۲.....عریضه.....	افسانه.....
	۶۵۱.....
	۶۷۳.....هنگام که گریه می‌دهد ساز.....
رهی معیری	
۷۳۵.....نیروی اشک.....	غلامرضا روحانی
	۶۷۵.....داد از دست زخم.....
گلچین گیلانی	
۷۳۷.....نام.....	حبیب یغمایی
۷۴۰.....ای جنگل.....	۶۷۸.....جست‌وجو.....
	محمدحسین شهریار
پرویز ناتل خانلری	۶۸۰.....در جست‌وجوی پدر.....
۷۴۲.....یغمای شب.....	۶۸۵.....سرود آبخار.....
۷۴۴.....عقاب.....	۶۸۸.....در خرابات.....
	پروین اعتصامی
مهدی حمیدی شیرازی	۷۰۰.....مست و هشیار.....
۷۵۴.....گل ناز.....	
۷۵۷.....در امواج سند.....	

۸۳۰..... بانگ نی	۷۶۶..... باغبانی شاعر
	۷۶۹..... پند شاعرانه
مهدی اخوان ثالث (امید)	۷۷۰..... بلای معلّمی
۸۳۸..... تسلی و سلام	۷۷۲..... روز آخر سال
۸۴۱..... دریچه‌ها	۷۷۵..... بت شکن بابل
۸۴۲..... تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم	
	ابوالقاسم حالت
سهراب سپهری	۷۸۹..... چه بگویم؟
۸۵۰..... غمی غمناک	
	یزدان یخش قهرمان
مظاهر مصفا	۷۹۲..... تا کی ازین ترسم، از آن ترسم؟
۸۵۲..... نسخه اقدم	
۸۶۹..... هرکه با بلا پنجه می‌کند	فریدون تولّی
۸۷۳..... آرزوی محال	۷۹۵..... کارون
۸۸۳..... ای سیلی روزگار خورده	۷۹۸..... اندرز سوختگان
۸۹۲..... هرگز هیچ	۸۰۲..... سایه‌های شب
۸۹۸..... گذشت	۸۰۷..... ملعون
۹۰۱..... ماهی مرده	
۹۰۲..... کیستم؟	احمد شاملو (پامداد)
	۸۰۹..... خواب و جینگر
	فریدون مشیری
نادر نادرپور	سرود گل..... ۸۱۰
۹۰۳..... بر گور بوسه‌ها	ستاره دور..... ۸۱۲
۹۰۵..... نامه	
۹۰۸..... نیشخند	هوشنگ ابتهاج (سایه)
۹۱۱..... یادبودها	سترون..... ۸۱۴
۹۱۹..... سرمه خورشید	بهار غم‌انگیز..... ۸۱۵
۹۲۲..... بت تراش	سماع سوختن..... ۸۲۱
۹۲۴..... فالگیر	

مرتضی امیری اسفندقه	نصرت رحمانی
داغ ۹۵۲	سقّاخانه ۹۲۶
دهکده ۹۵۶	
	منوچهر آتشی
محمدکاظم کاظمی	نعل بیگانه ۹۲۹
بیاده خواهم رفت ۹۶۰	
	فروغ فرّخزاد
علی اکبر یاغی تبار	عاشقانه ۹۳۱
سربه دار ۹۶۴	
	اسماعیل خوبی
وحید عیدگاه طریقه‌ای	آزادی ۹۳۶
پدر بزرگ ۹۶۷	
	نعمت میرزازاده (آزرم)
معرفی شاعران ۹۷۱	شبچرانی ۹۳۷
	محمد رضا شفیعی کدکنی (سرشک)
فهرست‌ها ۱۰۰۷	بهار ایرانشهر ۹۳۹
فهرست آغاز شعرها ۱۰۰۹	شادی آغاز ۹۴۳
فهرست الفبایی نام شعرها ۱۰۱۷	دریا ۹۴۶
فهرست نام کسان ۱۰۲۵	غوک‌نامه ۹۴۷



اشاره



در سالی که گذشت شعر مشهور دهخدا که در سوگ میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل سروده شده و با نیم‌بیت «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» در یادها نقش بسته است صدساله شد. از یک چشم‌انداز، دهخدا با همین شعر حزن‌انگیز، پیشاهنگ جریان جدیدی در شعر معاصر پارسی است. چه، این شعر از حیث سبک، قالب و قافیه‌بندی، خارج از چهارچوب معهود و مرسوم سنت‌های شعری قرار دارد. در حقیقت آهنگ گردآوری این کتاب نیز در آغاز، صدسالگی همین شعر بوده است. در این مجموعه کوشیده شده یکصد شعر فارسی ماندگار قرن بیستم در قالب نو، و یکصد غزل و یکصد شعر هم در دیگر قوالب سنتی از قبیل قصیده و قطعه و مثنوی و غیره که در حافظه خوانندگان ایرانی نفوذ کرده است جمع‌آوری شود. نگارنده این سطور، با روشی که گفته خواهد آمد، اشعاری را که در طول این مدت سروده شده است به قصد یافتن این تعداد شعر غربال کرد و آنچه باقی ماند مجموعه حاضر است. در آغاز کار قرار بود این مجموعه در سه کتاب جداگانه عرضه شود اما مصلحت دید ناشر این بود که کتاب به صورت فعلی درآید. در

فراهم آوردن آنچه پیش روست دایره گزینش آثار افرادی را در بر گرفته است که در هوای این قرن نَفَس کشیده‌اند و شعر گفته‌اند و در واقع بسیاری از ایشان تأثیراتی بر این دوره گذاشته و تأثراتی از آن پذیرفته‌اند. تولد اشخاص جز در ترتیب ذکر نام ایشان ملاک نبوده است.

قرن بیستم آکنده از بیانیته‌ها و مانیفست‌ها و نظریه‌ها و مصاحبه‌هاست در باب شعر پارسی. اکنون شاید مجال مناسبی باشد که بدون تبلیغاتی از آن دست و نیز فارغ از هیاهوها و جنجال‌های روز، نمونه‌های خلاق شعری این دوره را مورد توجه قرار دهیم.

در نظر بسیاری از صاحب‌نظران بخش عمده‌ای از میراث شعری قرن مذکور در ایران، در این مجموعه پیش روی خوانندگان قرار دارد. این اشعار، آنهایی هستند که علاوه بر ره یافتن به ذهن و ضمیر مخاطبان جدی شعر، در زبان مردم کوچه و بازار هم رواج پیدا کرده و در واقع بخش‌هایی از آن به صورت مثل سایر، آوازه و نامی یافته است.^۱

باید توجه داشت که شعر حقیقی آنگاه مجال تجلی می‌یابد که پایه‌ای و مایه‌ای از درون زندگی به همراه داشته باشد. متأسفانه از طرفی برخی کهن‌شاعران چندان در قید و بندهای وابستگی به سنت شعری پیشینیان مانده‌اند که مخاطبان امروزی التذاذ و تمتعی از شعر آنان نمی‌یابند. چه، شعرشان در گسست کامل از زندگی است. و «صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر». از طرف دیگر هم میل به گسست از سنت در نوجویان و نوپویان چندان نمو یافته که گاه کارنادیدگان

۱. دکتر پرویز ناتل خانلری پیش از همه و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی بیش از همه منتقدان، راه یافتن به حافظه‌ها را اصلی‌ترین معیار شعر خوب شمرده‌اند.

جوان مدعی اند کلام و شعر خود را از صفر می‌آغازند تا به استقلال سبک خویشتن برسند. در حالی که هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید از تأثیر دیگران برکنار بماند؛ خاصه اگر آن دیگران، بزرگان مقتدر قومی باشند.

راقم این اوراق، به هیچ روی سر آن ندارد که آب بی‌قدری بر اشعار هم‌روزگاران خویش بریزد یا به نفی آنها برخیزد اما گزیری و گزیزی نیست از باز نمودن بعضی احوال. افسوس و بسیار بار افسوس که شعر روزگار ما در رکودی طولانی به سر می‌برد. اگر همان جریان شعری که با نیما اوج گرفت و به دست برخی از شاگردانش قسمت‌های برجسته آن به کمالی در حدود زمان خویش رسید ادامه می‌یافت امروز شاهد چنین وضعیتی نامطلوبی نبودیم. اکنون، شعر نیمایی در دورترین و غریب‌ترین فاصله با نیما و حوزه‌های پیشنهادی‌اش به سر می‌برد. در شعر، فارغ از هر گرایشی باید جوهره شعری اصیل را جست‌وجو کرد و راز مانایی شعر، همانا جز این نیست. عهدی بایستی و عهده‌ای شاعران را.

این طرفه که امروز از این جوهره ناب خبری نیست که نیست؛ مگر در شعر تنی چند از همان ماندگان نسل پیشین؛ آن هم گاهی، هر از گاهی. «گواهی بخواهید، اینک گواه»: کدام شعر یا حتی کدام مصرع از نسل جدید در حافظه‌ها جایگیر شده است؟ شعر در معنای واقعی‌اش «تا نلر زاند دلی را شعر نیست». حرمتی دارد و هدفی. گو همان لذت معهود باشد، فارغ از هر اندیشه‌ای. حالیا، حافظه فرهیخته و حتی به گمانم بیشتر از آن، حافظه مردم بهترین داور است بر صدق آنچه گفته آمد. باری، بگذریم. می‌دانم پس از این گزینش در معرض خطاب و در محل عتاب بسیاری قرار خواهم گرفت و هر گزینشی را طبیعی است چنین فرجامی.

در حقیقت انگیزه گردآوری مجموعه حاضر این بود که احساس کردم در میان شعر و جامعه، گونه‌ای گسیختگی و دورافتادگی روی داده است. این مسئله در

جامعه‌ای که مردمش قرن‌ها با شعر زندگی کرده‌اند جای تأسف دارد. با خویش اندیشیدم شاید بتوان از سروده‌های معاصران گزیده‌ای فراهم آورد تا شعرهایی که هر کسی در لحظاتی می‌تواند با خویش زمزمه کند و از آنها لذت برد در یک کتاب و در دسترس همگان قرار گیرد. در این راستا با ارزش تاریخی شاعران کاری نداشتم و اساس کار را برگزینش شعرهای خوب نهادم نه شاعران مشهور. هم از این‌روست که این مجموعه ابتدا از حافظه مردم در نسل‌های مختلف به‌گزین شده، سپس با مراجعه به حافظه خوانندگان جدی شعر بخش‌هایی از آن نیز بدین‌گونه انتخاب شده است؛ از آن میان اشعار مورد پسندم را گرد آوردم و آن را در معرض داوری بعضی از سخن‌شناسان این بوم و بر که به گمان من ذوقشان به ذوق معیار نزدیک است قرار دادم. حاصل آرای ایشان انتخاب مجموعه حاضر است. و البته به قول اخوان‌ثالث، «داوری من درباره زمین و آسمان و هر چیز که میان آنهاست، هرگز یک داوری به اصطلاح «بی‌غرض و بی‌طرف» نیست. من خواننده‌ای هستم که با همه غرض‌ها و طرفداری‌هایم داوری می‌کنم.»

کوشیده شده این مجموعه، «سفینه‌ای بی‌تعصب کهنه و نو» باشد؛ اما بدیهی است با انتخاب صد شعر از این صد سال در سه دفتر نمی‌توان داد چنین‌گزینشی را به تمامی داد؛ هرچند این کار، گزینشی از شاهکارها باشد. بعضی از شاعرانی که نامشان در همین کتاب آمده است ده‌ها اثر ماندگار و جاوید در شعر پارسی از خویش به یادگار گذاشته‌اند. مثلاً این امکان بود تا تنها، صد شعر از بهترین نمونه‌های شعری فروغ و اخوان برگزیده شود. اگر دایره این‌گزینش اندکی فراخ‌تر بود از ایشان اشعار بیشتری نقل می‌شد و از برخی دیگر نیز هم که نامشان در این‌گزینش نیامده است، آوردن نمونه‌هایی ناگزیر می‌نمود؛ آنها که در قرن

اخیر مجموعه‌های بسیاری از شعرهای نو و کهن سروده‌اند و در میانشان شاعران برجسته‌ای هم به چشم می‌خورد.

مقصود آنکه اگر در این فراهم آمده نامی از برخی کسان نیامده، به هیچ روی قصد انکار ایشان در میان نبوده است؛ اما از نقل آثار کسانی که با وجود دیوان‌های شعری فراوان و مصاحبه‌ها و نظریه‌های متعدد حتی یک مصرع از شعرشان گوشه دلی را تسخیر نکرده و تنها می‌خواهند شاعریشان را با بیانیته‌ها و هیاهوها بر دیگران تحمیل کنند عمداً پرهیز شده است؛ گو اینکه برخی از ایشان در «تاریخ مطبوعات» جایگاهی ویژه داشته باشند. به جای آن از شاعرانی که شهرت کمتری دارند اما ابیاتی از ایشان بی‌هیچ واسطه تبلیغاتی در ذهن و ضمیر مردم جای گرفته، چشم‌پوشی نشده است. ممکن است کسی در تمام حیات خویش تنها یک شعر بسراید و تحفه سخنش دست به دست برود و همان یک شعر با قبول و اقبال عام مواجه شود؛ در این صورت شعر آن شاعر می‌تواند در کنار اشعار بزرگ‌ترین شاعران سرزمین خویش قرار گیرد. لابد این مطلب برای خُرده‌شاعران روزگاری که در آن کمیّت به جای کیفیت نشسته، محلّ تأملی است تا خویشان را نشانه تیر ملامت نکنند.

این را نیز همینجا باید بگویم که اگر از شاعری تعداد بیشتری شعر آورده شده، هرگز بدین معنا نیست که قصدی و تعمّدی بوده است تا آن فرد نسبت به دیگران برتر شمرده شود. حقیقت آن است که بعضی شاعران در غالب قوالب شعری، شعر خوب داشته‌اند و برخی دیگر تنها در قالب‌هایی خاص؛ چنان‌که مثلاً از فروغ یک غزل بیشتر وجود ندارد.

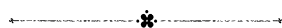
می‌خواهم اعترافی هم بکنم: بعد از انتخاب شعرها و حروفچینی آنها دریافتم که مثلاً سهم فلان شاعر نامدار، کمتر از دیگری شده است؛ قصد کردم از نو و به

شیوه‌ای دیگر کار را تغییر دهم. اما باز با خویش گفتم که در این روزگارِ سهمیه‌بندی‌ها بگذار شعر از این قاعده مستثنا بماند. هرچه هست، باری، کار به گونه‌ای است که می‌بینید. با این همه اگر کسی بخواهد - و من نمی‌خواهم - از چنین منظری بدین کتاب بنگرد باید سه کتابی را که در مجموعه حاضر یکجا به چاپ می‌رسد جداگانه بررسی کند.

باری، تواند بود که روزگاری شکوفایی شعر دوران خویش را دوباره به تماشا بنشینیم؟ امیدوارم. چشم به راه بهارها و امیدها، بامدادها و فروغ‌ها و شهریاران شعر پارسی می‌مانیم.

محمد افشین‌وفایی
۲۴ اسفند ۱۳۸۵

درباره ویراست دوم



هفده سال پس از تاریخ گردآوری این کتاب، که بارها نیز به همان شکل تجدید چاپ شد، با همفکری برخی دوستان سخن‌سنج در آن تجدید نظری کردم و کوشیدم رنگ امروزی اشعار برگزیده را بیشتر کنم. همچنین بر آن شدم به جای توجه به نقش تاریخی اشعار، بیش از پیش اثرگذاری عاطفی و سادگی و گیرایی بیان را ملاک انتخاب قرار دهم. از این رو، در ویراست جدید، گذشته از تغییر یافتن بعضی اشعار منتخب از شاعران به دلایل زیبایی‌شناسانه، شعر برخی شاعران که سخنشان از دید سبکی بیشتر با ادبیات سده‌های گذشته پیوند داشت حذف شد و به جای آنها شعرهایی تازه از شاعران نیمه دوم قرن اخیر نشست.

البته برای نشان دادن ویژگی‌های سبکی این نسل می‌باید در مجموعه‌ای جداگانه به شعر ایشان پرداخت و در این مجال تنها به ذکر چند نمونه بسنده کرده‌ام. در چاپ‌های قبلی به دلایلی یک شعر از بخش «غزل» و چند شعر از بخش «شعر سنتی» کم شده بود که در این ویراست با افزودن سروده‌هایی آن کاستی را نیز جبران کردم و تعداد اشعار در هر سه بخش، چنان‌که از نام کتاب توقع می‌رود، به صد رسید. پیش‌تر چهارپاره و قالب‌های ترکیبی را در شمار شعر نو آورده بودم. در ویراست جدید بهتر دیدم آنها را زیر بخش «قالب‌های دیگر»، که آن را جایگزین عنوان بخش «شعر سنتی» در چاپ‌های پیشین کرده‌ام، ببرم و در بخش «شعر نو» تنها اشعاری را بیاورم که هر دو ویژگی نابرابری سطرها و آزاد بودن جای قافیه در آنها باشد. با توجه به اینکه از زمان چاپ نخست صد شعر از این صد سال تا کنون دفترهای شعر تازه‌ای از شاعران منتخب این مجموعه منتشر شده و شماری از سراینده‌گان نیز روی در نقاب خاک کشیده‌اند، شرح حال مختصر شاعران در بخش پایانی کتاب در این ویراست تکمیل و به‌روز شده است. برای آسان‌تر شدن استفاده مخاطب عام در پانویس‌های اشعار توضیحات بیشتری به این ویراست افزوده‌ام. یادآوری می‌کنم توضیحاتی که گاه سراینده‌گان درباره شعرهایشان داده‌اند با ذکر نام خودشان آمده است.

محمد افشین وفایی
۳۱ شهریور ۱۴۰۲



مهتاب

می تراود مهتاب
می درخشد شبتاب
نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند
خواب در چشم ترم می شکند

نگران با من استاده سحر
صبح می خواهد از من
کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را بلکه خبر
در جگر لیکن خاری
از ره این سفرم می شکند

نازک آرای تین ساق گلی
که به جانش کشتم

و به جان دادمش آب
ای دریغا! به برَم می شکند

دست‌ها می سایم
تا دری بگشایم
بر عبث می پایم
که به در کس آید
در و دیوار به هم ریخته‌شان
بر سرم می شکند

می تراود مهتاب
می درخشد شبتاب
مانده پای آبله از راه دراز
بر دَم دهکده مردی تنها
کوله بارش بر دوش
دستِ او بر در، می گوید با خود:
غم این خفته چند
خواب در چشم تَرَم می شکند

۱۳۲۷